

پیشرفت معاوضت قضائی از سال ۱۹۴۹ در انگلستان

مقدمه

مسئله معاوضت قضائی اعم از آنکه در محاکم حقوقی و جزائی انجام یابد باری است که بردوش شغل و کالت گذارده شده و این حرفه شریف از این لحاظ بهیچیک از حرف و مشاغل شباهتی ندارد زیرا هر حرفه ای را که در نظر بگیریم برای انجام عمل معینی که در حدود خود منافع آن عاید اجتماع میشود تحمیل دیگری با فرد صنف یا حرفه یا طبقه مزبور نمیشود غیر از وکلاء دادگستری که در حد خود علاوه بر اینکه فن شریف دفاع از حق و بکری نشانند عدالت و واقعیت را وجهه نظر دارند باعتبار آنکه درایت عقلی و برتری فرهنگی و منطقی دارند باید بناچار دست استعانت و معاوضت بسوی طبقه ناتوان دراز کنند البته این امر از لحاظ شخصی در زمانی که تمدن مکانیکی و اجتماعات عظیم دنیای جدید بقالب وجود ریخته نشده بود از لحاظ اخلاق بسیار پسندیده و شایسته تقدیر بود ولی در شرائط زمانی و مکانی ما و پیدایش اجتماعات بزرگ و تمدن مادی امروزی که از خصائص آن توجه اضطراری بوضع مادی و احیاناً قطع رابطه با جهات معنوی و اخلاقی روح انسانی است و اثر بلا فصل آن شیوع خرافات و ظهور هر چه تمامتر روح عصیان و طغیان باصول در افراد اجتماع میباشد دیگر نمیتوان طبقه خاصی را از مردم محکوم کرد که علاوه بر هزاران وظیفه علمی و اخلاقی که انجام میدهد اوقات خود را صرفاً در راه استعانت و معاوضت و اماندگان مستغرق دارد و گشادگی چشم و گوش و عقل هوش آفت جان او بشود.

در تشکیلات حاضر هستند و کلائیکه در طول هفته بیش از یک یا دو محاکمه تسخیری جنائی دارند و معلوم است داشتن یک یا دو محاکمه تسخیری دارای چه معنی و مفهومی است زیرا تنها درد و کلام تسخیر بودن نیست و عدم دریافت کارمزد نیز زیاد مورد عنایت آنها نمیشد بلکه مصیبت بیشتر تضییع اوقات و بباطل گذراندن عمر شریف است که برای هر محاکمه ممکن است روزها صرف وقت گردد و لا اقل در هر محاکمه تسخیری از اول تا آخر وقت اداری آنها بی رویه از دست میرود در دنیای جدید و در مجامع مترقی همانطور که هر کاری حسابی دارد زعمای قوم برای این مسئله طرق عدیده ای اندیشیده اند که نه متهمین و نیازمندان بمعاوضت دوچار سرگردانی و بی پناهی باشند و نه بوکلاء دادگستری که بحقیقت پیوسته در بوته معائب و آلام اجتماعی گداخته میشوند احبباف و ستمی روا شود زیرا این دولت است که باید برای حفظ اتباع بلاد دفاع خود چاره ای بیاندیشد نه وکلاء که هم حد اعلای مطاوعت و احترام بقوانین را داشته و مالیات دولت را بیش از سایر صنوف میپردازند و هم مالیات دیگری را بعنوان معاوضت قضائی و جزائی از ارجمندترین سرمایه خود که وقت آنها است بپردازند. در یکی جلسات کانون وکلاء همکار محترم آقای ارسلان خلعتبری تذکاریه ای در باب پرداخت حق الوکاله بوکلاء تسخیری و معاوضتی باعضاء کانون تسلیم داشتند در تذکاریه

مزبور درباره مقاله ای که در این باب در مجله کانون وکلاء امریکا نوشته شده اشاره ای فرموده بودند که از لحاظ روشنی ذهن همکاران معظم در باره این موضوع مهم و اساسی لازم بنظر رسید مقاله مزبور ترجمه و در دسترس قرار گیرد. باشد که مقبول طبع و منشاء تأثیر در این مورد بخصوص قرار گیرد اینک ترجمه مقاله ای است که در شماره ۴۸ صفحه ۱۰۲۹ ماه نوامبر ۱۹۶۲ مجله کانون وکلای دادگستری امریکا منعکس میباشد.

آنچه از نظر میگذرد خطابه ایست که لرد پارکر (۱) در اجتماع کانون وکلا دادگستری سانفرانسیسکو در تاریخ نهم اوگوست ۱۹۶۲ بیان داشته لرد پارکر در خطابه مذکور کیفیت و طرز کار قانون معاضدت قضائی را که از سال ۱۹۴۹ در انگلستان مورد عمل میباشد شرح داده است قانون مذکور بنحوا هم پیش بینی ها و تدارکات لازم را بمنظور پرداخت هزینه های دادرسی اعم از حقوقی و جزائی برحسب قدرت و توانائی منطقی از طرف متداعین میکند در دادرسیهای جزائی تصمیم درباره بذل معاضدت قضائی بعهدده محاکم است و اخذ تصمیم درباره محاکمات حقوقی و مدنی از خصائص هیئت داوطلبان وکلا و مشاورین حقوقی میباشد و پرداخت حق الوکاله بعهدده وزارت دارائی است ولی موکل در انتخاب وکیل و مشاور حقوقی معاضدتی آزاد بوده و روابط او با وکیل برگزیده نیز عیناً مانند سایر افراد عادی است که کار مزد وکیل را خود میپردازند.

معاضدت قضائی در انگلستان و امریکا تاریخ درازی دارد بدون شک در دیوانعالی کشور انگلیس (۲) از ازمینه قدیم در دعاوی جزائی تدارک شده و از صد و پنجاه سال پیش در دادگاههای استان نیز رویه ای اتخاذ گردیده که برای متداعین تهی دست که بخواهند وسائل دفاعی تأمین شود و این همان قانونی است که در محاکم مزبور بنام قانون تهیدستان (۳) مورد عمل میباشد. تا سالهای اخیر دستگاه قضا انگلستان در اینقسمت بطور کلی اتکاء بوکلای دادگستری داشت که به تهیدستان بدون عوض و یا در برابر اجرت مختصری معاضدت خود را ارزانی میکرد.

در کشورهای انگلستان و امریکا و در خیلی از نقاط جهان از ازمینه قدیم شبیه این خدمات را وکلا انجام میداده اند. در امریکا و انگلستان حدیث این خدمات را وکلا بوجود آورده اند که این دو کشور بوجود آن مباحی و افتخار میکنند بهر هر صورت دردنیای ما عواملی در کار است که سیستم معاضدت اختیاری فوق را بنحو مؤثری فرسوده داشته و حقیقتاً در قرن بیستم آنرا غیر عملی کرده.

غرض از سیستم اختیاری معاضدت قضائی آنستکه وکلا خود بدون اکراه و اخذ کار مزد و صرفاً روی مبادی اخلاقی بمعاضدت نیازمندان اقدام کنند و دولت برای حمایت افراد مردم خود سهمی از این بابت پردازد چنانکه در سیستم معاضدت قضائی کشور ما متداول است پیش از جنگ دوم جهانی ماشین نیمه داوطلب معاضدت قضائی دوچار چنان فرسودگی شده بود که صدای عدم توازن از همه جای آن بگوش میرسید

1 - Lord Parker

2 - Supreme Court.

3 - "Forma Pauperis"

و با پایان جنگ در انگلستان بطور وضوح این امر مسلم شد که تحقیق برای یافتن بیک راه حساب شده در این امر ضروری است

عواضلی از قبیل توزیع ثروت عقده‌های زندگی اجتماعی جدید، افزایش حجم مواد، قانون که در زندگانی روزمره اثر میگذارد، افزونی جمعیت، پیشرفت سرمایه‌آورد و قابل تأثر جنایت و کثرت موارد طلاق در سالهای اخیر کلاً مؤید نیاز بترجم برای برقراری سیستم تازه‌ای جهت معاضدت قضائی میباشد این تکامل در زندگانی اجتماعی مردم انگلیس از زمانی تحقیق یافته که توجه مردم نیاز به تحول در خدمات اجتماعی دیگر را نیز محسوس داشته است الزام زمانه بنابر اقتضا داشت که هر فردی امکان تکامل تربیتی آزاد و بیشتری را داشته باشد.

همچنین هر کس که در چهار دیوار کشور انگلستان زندگی میکند باید بدون توجه با امکانات و وسائلی که در اختیار دارد حق استفاده از پرمتاریه‌های بیمارستانی و داروی رایگان را داشته باشد.

در این شرایط و دنباله اقبال و علاقه عمومی بود که مهرداد سلطنتی لرد سایمون (۱) در سال ۱۹۴۴ هنگامیکه جنگ پایان نزدیک میشد مبادرت با ایجاد کمیسیونی کرد که از جمله وظائف آن فراهم داشتن طرح‌هایی برای معاضدت قضائی بود و کمیسیون مذکور تحت نظارت لرد رش کلیف (۲) که یکی از سیاستمداران بازنشسته انگلستان است قرار گرفت. مبنای سیستم کنونی معاضدت قضائی در امور حقوقی انگلستان اکثراً توصیه‌های شایسته این کمیته است که در بین سایر اعضاء آن دو نفر از قضات استیناف و دادستان سررژینالد بینگام هام (۳) و بولر (۴) بودند.

بولر در سال ۱۹۶۲ وزیر دارائی بریتانیا بوده همچنین با وجودیکه سیستم معاضدت قضائی در امور جزائی سنگی بقانون ۱۹۲۲ میباشد معذالک پیشرفت و تحول آنرا توصیه‌های کمیته رش کلیف (۵) آماده داشته.

معاضدت قضائی در امر جنائی (۶)

در انگلستان معاضدت مطلق در امر جزا بمتهم ممکن است بوسیله دادگاهها در همه موارد اعم از مراجعه و دفاع در محاکم مقدم و تقدیم دادخواست بمحاکم تالی و عالی داده شود.

موضوع تفویض معاضدت بمتهمی که از لحاظ قضاء نیاز کمک داشته و احراز اینکه چنین شخصی قادر بپرداخت هزینه‌های آن نیست مطلقاً در اختیار دادگاه بسته بنظر آن است در قانون معاضدت و شور قضائی سال ۱۹۴۹ (۷) پیش بینی شده در صورتی هم متهم واجد وسائلی باشد که بتواند کمک قضائی برای خود بگیرد معذالک دادگاه میتواند معاضدت

- 1 - Lord Chancellor - Lord Simon
- 2 - Lord Russell
- 3 - Sir Reginald Marriotgham
- 4 - Buller
- 5 - Russell Committee
- 6 - Official Aid
- 7 - Legal Aid and Advice Act 1949

آزاد قضائی برای او بگیرد و مرجع تصمیم دادگاه در موضوع می باشد این حکم مابینت با آن ندارد که متهم هرگونه دادخواستی بخواهد خود تنظیم و تقدیم دارد سیستم تفویض معاضدت در امر جزائی در انگلستان بسیار ساده و بدون پیرایه است و بهیچوجه ریزه کاری ها و طول و تفصیلاتی برای تشخیص وجود وسائط در دسترس متهم و یا از نوع اینگونه امور نیست زیرا مبنای قضیه بر آنست که تصمیم بتفویض و عدم تفویض معاضدت باید سریعا و بدون فوت وقت اتخاذ شود البته محاکم مختلف هر یک رای و رویه خود را بطریق خاص خود در این امر بیان داشته اند بنا بر این عده ای طرفدار این عقیده اند که این حق باید بمتهم داده شود که از معاضدت قضائی در موارد ویژه و محاکمات خاصی از آن استفاده کند در برابر پاره ای نیز معتقدند که مشاورت و معاضدت در کلیه مواردیکه اکنون متداول و معمول است حتی در دادگاههای بخش که این حق برای آنها نیست در اختیار متهمین و نیازمندان بدان گذارده شود. البته تبصره ای نیز بر عقیده خود زده و موضوع بازپرسی ابتدائی را در مورد قتل از نظر کلی فوق مستثنی داشته اند و معدودی نیز عقیده دارند که در تحقیقات ابتدائی درباره مجرمین این معاضدت را نباید داد.

این اختلاف در طرز تلقی موضوع در عصر حاضر تدریجاً رو بزوال است و امروزه تمایل عمومی بر اینست که در کلیه محاکمات و در تمام مراحل رسیدگی و برای کلیه درخواستها اعم از اینکه درباره مجرمیت باشد و یا در آن باره نباشد معاضدت قضائی باید داده شود در این موضوع بعضی حقیقتاً خیال میکنند که انگلستان خیلی زیاده روی کرده است.

شاید تعجب کنید اگر بدانید دفاع از محتاجان بمعاضدت چگونه بوسیله مشاور و مدافع حقوقی تأمین میشود و چگونه گواهی معاضدت قضائی بآنها داده میشود در اینجا نیز سیستم بسیار ساده است و کلا و مشاورینی که مایل باشند محاکمات معاضدت را قبول کنند نام خود را در فهرستهاییکه دادگاهها بهمین منظور دارند ثبت میکنند با انجام این تشریفات چنان و کلا و مشاورینی ممکن است برای دفاع برگزیده و انتخاب شوند و حق الزحمه آنها در مرحله استینافی بوسیله حاکمین راتب محاکم مزبور تعیین میگردد و در مورد دادگاههای بخش نیز حق الوکاله طبق تشخیص کمیته ای بنام کمیسیون ناحیه ای (۱) که در بحث محاکمات حقوقی بان اشاره ای خواهد شد بر حسب مقررات برآورده میشود میزان حق الوکاله مشاور حقوقی یا وکیل بر حسب مقرراتیکه از طرف وزارت کشور وضع شده تعیین میشود و مقررات مذکور حجم کار مزد را بر حسب آنچه در محاکمات معمولی پرداخت میشود پیش بینی کرده و نیز در موارد استثنائی اجازه داده مبلغ مذکور از حداکثر پیش بینی شده در مقررات نیز افزایش یابد وقتی کار مزد از طرف کمیسیون های ناحیه ای بتصویب رسید بموجب مقررات وزارت کشور ملزم است حق الزحمه را بر حسب حجم کار منطقی و واقعی که انجام یافته و با در نظر گرفتن این اصل که حق مزبور باید متناسب با مواردی که در بین افراد عادی معمول است معین و اعلام دارد وزارت کشور مقررات حاکم بموضوع حق الوکاله را پس از مشورت با دوشاخه حرفه و کالت یعنی مشاورین حقوقی و وکلاء تعیین میدارد و از اینجاست که در مورد حق الوکاله مشاورین امور جزائی کمبودی محسوس نیست

و چون اثر عملی کارمزد قبلا بوسیله شعوب فعال فن و کالت مورد مطالعه و مذاقه قرار گرفته تصور میکنم هر کس باین نتیجه منطقی میرسد که هر گونه توجهی از لحاظ کارمزد بحرفه و کالت شده و آنها نیز از تشریک مساعی خود که مبنی و اساس موفقیت طرح دعاوی در پیشگاه عدالت است ناراضی نیستند.

معاضدت قضائی در امر حقوقی (۱)

گرچه مقررات مربوطه بمعاضدت در امر حقوقی اندکی بفرنج تراست ولی کوشش میکنم توضیحات خود را بر مبنای اصول مسلمه بیان دارم.

سیستم ما قدرت اجرائی خود را از قانون معاضدت در امر حقوقی و مشاورت سال ۱۹۴۹ (۲) یافته که بموجب قانون ۱۹۶ اصلاح شده و طرح اساسی آنر کمیسیون رش کلیف پیشنهاد کرده است.

البته ممکن بود که طرح معاضدت در امر حقوقی خود را بر مبنای کمک های عمومی استوار داریم اما در انگلیس این راه معمول نشده است با وجودیکه رئیس قوه قضائیه (۳) برای انجام طرح در برابر پارلمان مسئولیت دارد و پارلمان انجام وظایف و طرح تشکیلاتی و اوضاع مالی کانون و کلاء (۴) را برعهده او بر گذار کرده بزحمت نیاز به بیان این موضوع هست که کانون و کلاء این وظیفه را بنحو دلخواه انجام داده و اداء وظیفه را بطور قابل تحسینی کرده است یکی از عواملی که برای انجام این منظور جزء قابل ملاحظه و مؤثری بوده هیئت مشاورین و کلاء را باید بحساب آورد که قسمت اعظم موفقیت طرح منوط به مساعی غیر قابل انکار آنها بوده است و ضامن اجرای طرح در حال حاضر شاغلین بحرفه و کالت میباشد فعلا کمیته ای وجود دارد بنام کمیسیون معاضدت قضائی (۵) که در پناه کانون و کلاء قرار داشته و دارای قدرت مشورتی و اجرائی میباشد و این کمیسیون است که تشکیلات معاضدت سراسر کشور را تحت نظارت دارد کشور انگلستان باین منظور بدوازده ناحیه تقسیم شده که در هر ناحیه هیئت بنام کمیسیون ناحیه ای (۶) ناظر بموضوع میباشد هیئت مزبور از و کلاء و مشاورین تشکیل شده که داوطلب بودن خود را برای خدمت در راه معاضدت اعلام داشته اند هر ناحیه بتعداد معین از نواحی تابعه تقسیم شده که در آن کمیسیون محلی استقرار دارد و هر کمیسیون محلی نیز از عده ای و کلا و مشاورین تشکیل یافته است هر کس خواهان معاضدت قضائی برای طرح دعوی و یا دفاع باشد باید درخواست خود را بدایه به کمیسیون محلی بدهد اگر این کمیسیون بتقاضای او جواب رد داد او باید رجوع به کمیسیون ناحیه ای بکند در مراجعه بکمیسیون ناحیه ای استثنا هائی هم وجود دارد بدین معنی در صورتیکه تقاضا بعلت آنکه بیش از مقدمات مالی طرح میباشد و یا از خواهان مطالبه سهمی شده که بعقیده کمیسیون از اعتدال خارج مینماید تقاضا قابل طرح در کمیسیون ناحیه ای نبوده و مردود شناخته خواهد شد.

1 - Civil Legal Aid

2 - Legal Aid and Advice Act 1949

3 - Lord Chancellor

4 - Law Society

5 - Legal Aid Committee

6 - Area Committee

کار قبول یارد تقاضای معاضدت در قضایای حقوقی و وظیفه مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره تعداد معتابهی تقاضاها و پیشنهادات دیگری که در خلال رسیدگیهای مختلف بعمل میاید از جمله تقاضای بکار رفتن پیش از یک نفر مشاور و تحمل مخارج غیرعادی و یا الغاء گواهی معاضدت در مواردیکه پیش آمد ثابت کند موضوع موجه نبوده و اقدامات بیشمار دیگری که باید معمول گردد بشاغلین حرفه و کالت بر گذار شده مشاورین و وکلاییکه در کمیسیون های مختلف در اکناف مملکت شرکت دارند خود متقبل انجام اینگونه امور هستند خدمتیکه آنها بانجام آن همت گمارده اند خیلی مهم و اغلب مقرون بصرف وقت زیاد و بدل مساعی طاقت فرسا و فوق العاده ایست و در مواردیکه مسافرتی برای حضور در محاکم پیش آید تنها هزینه مسافرت بآنها پرداخت میشود و دادرسان و همه مردم در این امر متفقند که اینگونه وکلا وظیفه خود را تاکنون بطرز شایسته و قابل تحسینی انجام داده اند و وظایقی را متقبلند که درباره افراد و مؤدیان مالیات کمال اهمیت را دارد و اگر آنها از دادن معاضدت قضائی خودداری کنند بمنزله آنستکه افراد و از حق رجوع بدستگاه عدالت بازداشته اند و اگر در مواردیکه دادن معاضدت شایسته و سزاوار نیست چنین چیزی با افراد داده شود باری بسربار مؤدیان مالیاتی افزوده میگردد که قبلاً بانه از کفایت سنگینی آن بردوش آنها محسوس مییابد قانون ۱۹۴۹ (۱) رویه تازه ای را در بریتانیا معمول داشته بدینمعنی که تشکیلات کمیسیون مشورتی (۲) را با افراد عالم بفن و آشنای بکیفیت عمل دادگاه ها و بشرایط اجتماعی مجهز و محض میدارد این کمیته گزارش سالیانه کانون و کلاء را در چهارچوبه منطقه عمل طرح معاضدت قضائی مورد مذاقه قرارداد و گزارش آن توأم با گزارش کانون و کلاء بپارلمان عرضه میشود و باین طریق مامطمئن خواهیم شد که اعضاء پارلمان و مردم مملکت معاصر گذشت آگاهی یافته و میتوانند راضی باشند که سیستم معاضدت قضائی و طرز عمل آن کافی و باگذشت زمان تکامل مییابد.

اصول - قواعد کلی (۳) بموجب قانون ۱۹۴۹ اعطاء معاضدت قضائی بردو سبب متکی است اول شایستگی و سزاوار بودن متقاضی دوم وجود وسیله و مجوز.

در فصل اول ماده ۴ از قانون مزبور مقرر شده که هیچکس حق استفاده از معاضدت ندارد مگر آنکه موجبات منطقی چه در جهت دفاع و چه از لحاظ قرار داشتن در اطراف دعوی برای او میسر باشد و این وظیفه کمیسیون محلی (و گاهی کمیسیون ناحیه ای است) چنانکه قبلاً گذشت این موجبات منطقی متقاضی را تشخیص دهد متقاضی معاضدت قضائی باید صورتی را تنظیم کند که علاوه بر سایر موارد شامل اطلاعات دقیق درباره عوائد سرمایه تعهدات و وضع مالی خانوادگی او باشد قسمت های اخیر از پیشنهاد بدون فوت وقت از طرف منشی کمیسیون های محلی برای هیئت معاضدت قضائی (۴) که جزئی از دولت محسوب و مجهز بوسائل تشخیص برای اتخاذ تصمیم درباره کسانی است که نیاز بمعاضدت ملی دارند ارسال میشود. در موارد مختلف یکی از صاحب منصبان هیئت پیش از آنکه هیئت تصمیمی درباره تقاضا

1 - The Act of 1949

2 - The Advisory Committee

3 - The Principles

4 - The National Assistance Board

بگیرد باشخص متقاضی درباره عوائد و سرمایه او گفتگو میکند سود و دست مایه‌ایکه در اختیار متقاضی است باوضع حاکم بزندگی او از لحاظ اینکه مزوج است با منفرد و دارای فرزندانی است یا نه کفالت خرج دیگران را دارد یا خیر و الزاماتی براوتحمیل شده یا نه مقایسه و تمام نکات را ملحوظ و منظور و بهیئت گزارش لازم را میدهد در طرح معاوضت انگلستان کسیکه سرمایه و عایدیش از حد معینی تجاوز نکند شایسته استفاده از معاوضت قضائی شناخته شده است اگر وضع مالی متقاضی از حد مجاز تجاوز کرد او باید سهمی از هزینه مادی محاکمه خود را بپردازد و اگر عوائد او از حد مزبور نیز در گذرد او از منطقه حکومت طرح و شمول معاوضت قضائی خارج میشود چون ذکر حدود مادی توانائی متقاضی از نظر سهمی که باید در هزینه های معاوضت داشته و یا نداشته باشد توضیحات مرا اندکی غامض و پیچیده خواهد داشت لذا از تعرض باینموضوع دانسته اجتناب کرده و بحث درباره آنرا بوقت مقتضی محول میدارم. فکر میکنم چنین اطلاعاتی که بر مبنای انتشارات استوار است بدون آنکه تکمله ای از لحاظ معلومات قضائی و شرائط اجتماعی بدان افزوده شود خیلی گمراه کننده خواهد بود و طبقه بندی افراد در مقولات مختلف برای هر کسی مشکلی و شاید غیر ممکن باشد.

با وجودیکه بحث در عموماًت خطر گمراهی را پیش میآورد معذالک در این مسئله بخوبی میتوان این خطر را استنبال کرده و بگویم یکنفر زن که ممکن است مبلغ مختصر و یا هیچ درآمدی نداشته باشد و درخواست طلاق بدهد از لحاظ هزینه تعاون قضائی هیچگونه سهمی نباید پرداخت کند و یا یکنفر راننده تا کسی که متاهل و دارای دو فرزند است و کار مزد متناسبی دریافت میدارد از بابت هزینه معاوضت باید سهمی معادل پنجاه دلار بپردازد و یکنفر مدیر مدرسه از طبقات بالا برای حصول معاوضت قضائی باید سهمی در حدود ۶۰۰ دلار بپردازد و یکنفر رئیس شرکت شاید از مرز اعطاء معاوضت قضائی بکلی بیرون باشد در سالهایی که بدنبال قانون ۱۹۴۹ آمد اوضاع مالی معاوضت قضائی مقرر در قانون مزبور رضایتبخش نبود و این امر مرتب کاهش قدرت خرید پول بود قانون اصلاحی سال ۱۹۶۰ وضع را بدینطریق التیام داد که مردم را بر حسب عایدی از لحاظ معاوضت قضائی بگروهائی تقسیم کرد که بتوانند از مزایای قانون مذکور مستفید گردند.

طرز عمل کمیسیونها

چنانکه در پیش گفته شد وظیفه کمیسیون محلی در مرحله اول آنست که تقاضای معاوضت را مورد مذاقه قرار دهد. کمیته ممکنست بمقتضای گواهی دهد که از اودفاع شود در صورتیکه یکی از اصحاب دعوی واقع گردد و یا ممکنست باو گواهی محدود دهد تا عقیده مشاور حقوقی را درباره میزان موفقیت خود کسب کند. هنگامیکه کمیته طبع و موضوع تقاضا را تشخیص داد هر یک از اعضاء کمیته باید تصمیم بگیرد هر گونه اندرزی که در مقابل دستمزد کافی و در مورد موکل خصوصی خود میدهد در دسترش متقاضی بگذارد.

در مواردی نظیر آنکه متقاضی معاوضت قضائی را درباره لطامات و ضریت هائی که بشخص او وارد شده برای محاکمات میخواهد کمیسیون شاید خود را با مسائل زیر مواجه ببیند.

۱ - شرح کامل مآقع بوسیله متقاضی با توجه بجزئیات حادثه و لطامات وارده باو.

- ۲ - نام و نشانی شهود و اینکه آیا میتوان از آنها اطلاعات غیر رسمی کسب کرد و یا توضیحی از شاخصه‌خواست که چرا درباره صحنه نمیتواند رسماً اظهار بکند؟
- ۳ - یادداشت از دکترو یا بیمارستان که لطمات و صدمات را تشریح کند.
- ۴ - رونوشت از گزارش پلیس یا بیان علت عدم دسترسی بدان.
- ۵ - توضیحات درباره جریانات دیگر محاکمه مانند ادعای نامه و غیره.
- ۶ - رونوشتی از هر نوع مکاتبات و مناسبات و مرابطات درباره موضوع.
- ۷ - توضیحات درباره طرز تلقی موضوع از طرف مدعی علیه.
- ۸ - هر گونه عقیده‌ای که از طرف مشاور حقوقی قبلاً بیان شده.

اگر کمیسیون لازم بداند که اطلاعات بیشتری باید بدست آید و یا عقیده مشاور حقوقی درباره توفیق در موضوع پیش از آغاز محکمه باید کسب شود ناچار گواهی مجدد بمتقاضی میدهد تا او را برای انجام این امر توانا دارد البته گواهی باید در همین حدود باشد نه بیشتر در اغلب موارد کمیسیون ممکنست باین امر قانع شود که بر حسب اطلاعات حاصله حقانیت محاکمه‌ای را که آغاز گردیده تأیید دارد ولی ممکنست که افراد کمیسیون چنین بیندیشند که اطلاعات بیشتری ممکن است در خلال پیشرفت محاکمات مقدماتی از پرده بیرون آید که موجب منع مداخله آنها در محاکمه گردد در چنین شرایطی یک گواهی محدود بمتقاضی اهدا میشود بنا بر این کمیسیون منطقه‌ای (۱) فرصتی می‌یابد که طبع دفاعی را که باید انجام شود مورد مطالعه بیشتری قرار دهد از آنچه گفته‌ام ملاحظه میکنید که موضوعات پس از آنکه ابتداء در کمیسیون محلی مورد بررسی قرار گرفت مورد مطالعه کمیسیون منطقه‌ای نیز قرار میگیرد.

در هیچ موردی بمتقاضی معاضدت قضائی ارزانی نمیشود مگر کمیسیون منطقه‌ای آنرا تأیید کند حتی کسانی که در مرحله ابتدائی از معاضدت قضائی مستفید بوده و برای مرحله پژوهشی نیز خواهان معاضدت هستند از اصل فوق مستثنی نیستند در مقام مطالعه پیشنهاد معاضدت در مرحله پژوهشی خواه نفیاً و خواه اثباتاً کمیسیون منطقه‌ای همان آزمایشی را که از متقاضی معاضدت برای مرحله ابتدائی مینماید بعمل خواهد آورد و خود بخود این سؤال پیش می‌آید که آیا تقاضا کننده‌بانی منطقی برای این تقاضا دارد یا نه اعضاء کمیسیون مانند آنکه موضوع بین موکلین خصوصی و خود آنها مطرح است مسئله را مورد آزمایش و قضاوت قرار میدهند و تنها از لحاظ شاغل بشغل و کالت در برابر موکل شخصی مورد در مدنظر آنها قرار خواهد گرفت ارزش طرح دعوی پژوهشی آثار و کیفیت ادله را همانطور که بین آنها و موکلین خصوصی در بحث گذارده میشود مورد سنجش قرار میدهد بنا بر این هر تقاضای معاضدت پژوهشی در کمیسیون منطقه‌ای طبعاً مورد مذاقه خاصی قرار میگیرد و اگر متقاضی در مرحله استینافی مدعی علیه باشد کمیسیون غالباً در اعطاء معاضدت قضائی زیاد سختگیری نمیکند اما اگر او در مرحله ابتدائی دعوی را باخته است کمیسیون طبعاً در دادن معاضدت قضائی مجدد تأمل و بررسی بیشتری خواهد کرد.

نتایج حاصله از محاکمات

ما نتایج حاصله از محاکماتی که با معاضدت قضائی انجام یافته با دقت وافر مورد مطالعه قرار میدهم و موضوع بیشتر از اینجهت بنظر ما واجد اهمیت است که آیا معاضدت قضائی در سوارد شایسته و مناسبی ارزانی شده یا نه ؟ در سالی که به ۳۱ ماه مارس خاتمه یافت در موارد مختلف محاکمات معاضدتی ۷۹ درصد توفیق حاصل بوده و حکم سود متقاضیان صادر شده و از ۲۲ مورد بقیه نیز ۷ مورد حل و فصل شده و تنها ۱۴ درصد از دعاوی منجر بصدور حکم محکومیت بزبان متقاضی معاضدت شده است البته در نظر اول ۷۹ درصد ممکنست موفقیت نسبی عظیمی باشد اما چون در موضوعات مطروحه محاکمات طلاق نیز وجود داشته نمیتوان روی قضاوت خردمندانه کمیسیون های محلی و منطقه ای چنانکه انتظار میرفت اتکاء کرد.

مثلاً در قسمت خود من از دیوان عالی کشور (۱) که محاکمات معاضدتی ۱۵ درصد حکمیت یافته و از ۳۷ درصد محاکمات مزبور کمتر حل و فصل نگردید و تنها ۱۳ درصد از محاکمات فوق منجر بصدور حکم محکومیت متقاضیان گردید.

در محاکم استیناف ۶۵ درصد از محاکمات به حکمیت متقاضی معاضدت منجر شد و ۲۹ درصد حکم محکومیت آنها صدور یافت. اگر بموضوع با نظر وسیعتری بنگریم بنظر من بهتر است بگویم در حالیکه ظاهر امر نشان میدهد که بتعداد زیادی از مردم با وضع مناسبی معاضدت داده شده ما نباید خود را خیلی با نتایج دلخوش و راضی نشان دهیم. مسلماً تعداد زیادی از طرفین دعوی بدون معاضدت وجود دارند که از دخالت حکومت و دادن معاضدت باشخاص بی بضاعت متحمل خسارات میشوند در عین اینکه طرف معاضدت یافته آنها نیز توفیق پیش بینی شده از طرف کمیسیون ها را بدست نمیآورد من باین مسئله بخصوص بعداً اشاره خواهم کرد.

وکلا و مشاورین

سهم بیشتر توفیق طرح فوق متکی بشریک مساعی مشاورین حقوقی و وکلاداد گستری است در پشت پرده آهین چنانکه من میدانم آنها ممکنست طرح دولتی با وکلایی که از دولت حقوق میگیرند داشته باشند اما چنین موضوعی برای ما انگلیسی ها و شما امریکائیها غیر قابل هضم است باچنان سیستمی نمیتوان انتظار معاضدت حرفه ای داشت زیرا وکلا برای استقلال و آزادی خود ارزش قائلند و در طرح معاضدت ما استقلال و عدم اتکاء آنها بخوبی ملحوظ گردیده است. قبلاً برای شما گفته ام که کمیسیون های محلی و منطقه ای که تقاضاهای معاضدت را مورد مطالعه قرار میدهند چگونه بوسیله وکلا از لحاظ نفرت بسیج میشوند همچنین دعاوی بوسیله وکلا و مشاورین فارغ از مشاغل عمومی تعقیب میشوند باین ترتیب که فهرستی از اساسی آنها تنظیم میشود و هر یک از آنها که داوطلب و خواهان معاضدت قضائی در مراتب مختلف و در قسمتهای گوناگون کشور باشد نام او را در فهرست ثبت و از آن پس در جرگه معاضدت در خواهد آمد. اگر معاضدت قضائی بیک نفر از مردم عادی داده شود او در انتخاب وکیل و مشاور باندازه کسیکه خود مستقیماً وکیل انتخاب میکند آزادی عمل دارد جهت

ارتباط این موکل ناآزموده با مشاور حقوقیش در انگلستان عیناً مانند کسی است که بطور عادی وکیل انتخاب میدارد.

چنانکه شاید اغلب شما میدانید سیستم پرداخت دستمزد ما بر مجانی احتمالی و اتفاقی قرار ندارد در انگلستان ارزش عمل بوسیله صاحبشعبان قضائی زبردست تعیین و هنگامیکه وکیل داخلی محکمه میشود جزئی از تشریفات و نژاد است که دستمزد خود را درصدها لایحه بنویسد و در موارد معاضدت قضائی دستمزد وکلا و مشاورین از صندوقی که تحت مسئولیت قانون اجتماع قرار دارد پرداخت میشود و بجهت جمع آوری شده در صندوق عبارتست از مالیاتی که معاضدت‌شدگان پرداخته و هدیه‌ای که از طرف وزیر دارائی به منظور حمایت و حفظ طرح داده میشود در معاضدت قضائی وکلا و مشاورین (باستثناء دعاوی دیوانعالی کشور) دستمزد خود را بنسب که از نظر مالیاتی مجازند ما خود میدارند دستمزد مادیون در دیوانعالی کشور صدی ده میباشد و حرفه و کالت نیز این تخفیف را پذیرفته است.

این پذیرش سهمی است که شغل و کالت برای این خدمت میپردازد اما البته بجهاتی وکلا نیز از معاضدت بهره‌مند میشوند زیرا معاضدت قضائی میزان دعاوی را افزایش داده و دستمزد آنها را نیز تأمین کرده چون بموجب قانون اجتماعی از صندوق عمومی پرداخت خواهد شد.

قلمرو طرح معاضدت مدنی

ورود بیمقدمه در طرحی که حقیقتاً شامل کلیه دادگاههای کشور میشود ما را با مسائل تشکیلاتی و مالی که از عهده امکان خارج بود روبرو کرد. حکمت پارلمانی چنین اقتضا داشت که طرح خرد خرد و بطور تدریجی جامعه عمل پوشد و فرامین بان رئیس قوه قضائیه (۱) بان صورت تحقق دهد بدبختانه بازگشت مشکلات اقتصادی و طرحهای رقیبانه ملل دیگر در سالهای متعاقب ۱۹۴۹ گسترش قلمرو طرح را غیرممکن داشت معاضدت قضائی ابتدا در جریان محاکمات دیوانعالی عملی شد پس از آن در دادگاههای استان (۲) و سپس در دادگاههای (۳) صلح معمول گردید امروز اعطاء معاضدت برای همه محاکم معمول است سواقی محاکم مأمور کشف جرم (۴) (نظیر دستگاههای دادسرا) و در همه گونه محاکمه‌ای سهل الحصول میباشد غیر از معدودی از جمله در دعاوی مربوطه بافترا و لقص پیمان زوجیت که مقنن ما بطور عاقلانه‌ای آنرا از محدوده معاضدت مستثنی داشته است.

موارد استعمال معاضدت قضائی

بینش امریکائیهها برخنان مقیاسهای وسیعی استوار است که برای من امکان داشته باشد نمیتوانم ارائه دهم و همچنین من لائوانم پیکری که از معاضدت قضائی در انگلستان ترسیم کرده‌ام بدون ذکر عده تقریبی کسانی که از طرح مزبور مستفید شده اند لاتمام و ناقص بگذارم در سالی که بمه مارس ۱۹۶۲ خاتمه یافت تقریباً ۷۵۰ گواهی صادر شده که دارندگان واقادار بدفاع در دعاوی مدنی منطرحه در دادگاهها داشته است.

1 - Lord Chancellor

2 - Country Court

3 - Magistrates' Courts

4 - Coroners' Courts

و این تقریباً دو برابر گواهیهای صادره در سال پیش بوده و اختلاف این دو رقم قسمتی ناشی از تسهیلات و فراهم داشتن امکانات بیشتری برای افراد در استفاده از معاضدت است و قسمتی برهون گسترش دامنه معاضدت بدعاوی خانوادگی در محاکم صلحیه میباشد.

راهنمایی و مشورت قضائی

قانونی که معاضدت قضائی را تجویز کرد مقدمه طرح راهنمایی را نیز پی ریزی نمود که اکنون موارد قابل ملاحظه بکار بستن آن مشهود است و سال پیش تقریباً پنجاه هزار نفر تحت لواء طرح مزبور از راهنمایی قضائی برخوردار شده اند مستمندان بدون هیچگونه پاداشی راهنماییهای لازم میشوند کسانیکه دارای وضع عادی هستند برای راهنمایی فقط ۳۰٪ پنس (۱) میپردازند و سایرین اعم از آنکه دارای آنها هر چه میخواهد باشد ۲/۵ شلینگ (۲) برای راهنمایی در مدت مزبور پرداخت میکنند این اندرز و راهنمایی قضائی را مشاورینی انجام میدهند که برای هر نیمساعت ۲/۵ شلینگ کارمزد بآنها پرداخته میشود در اینجا نیز مشاورینی بکار میروند که قبلاً نام خود را در عداد داوطلبین ثبت کرده و آمادهٔ بخدمت عمومی باشند.

هزینه طرح

بنظر من اگر بطور خلاصه توجهی به هزینه طرح معاضدت قضائی نشود صورت حساب ناقص خواهد بود تمام هزینه‌ها بیکه وزارت دارائی برای طرح معاضدت مدنی اعلام داشته مبلغی است معادل ۲/۵ تا ۳ میلیون (۳) لیره استرلینگ است و البته هر سال اینمبلغ در تغییر میباشد و اکنون رو با افزایش نهاده هزینه معاضدت در امور جزائی قسمتی از صندوق وزارت دارائی و قسمتی هم از طرف اولیاء محلی امور تأمین میشود.

توفیق کسانیکه معاضدت نمی‌شوند

طرف دعوی و کسانیکه معاضدت میشوند

شما ممکنست درباره موقع و موفقیت کسانیکه مورد معاضدت نیستند بشگفت آئید در سیستم ما معمول است که قضایا از لحاظ ارزش دنبال میشود اما در موارد معاضدت قضائی کار بر این منوال نیست زیرا حریف حاکم در صورتیکه معاضدت قضائی بمدعی علیه او نمیشد در وضع بهتری قرار داشت و این مسئله‌ای است که از آغاز بکار بستن طرح شناخته شده است در اینجا من باین مطلب تعرض کردم برای آنکه بدون شک نمودار نقض و یابتر بگویم نقص جدی طرح میباشد و مسلم است که اینموضوع اشکالاتی تولید خواهد کرد. درباره اینموضوع فعلاً فرصت بسط مقال نیست و فقط باید افزود که ما برای دفع این مفسده بخصوص راه علاج هم داریم اما راه علاج نیاز بمبلغ معینی پول وجعل قانون تازه‌ای دارد ومدتی لازمست تا بتوان این دو را تأمین کرد.

۱ - تقریباً دو ریال و نیم

۲ - تقریباً معادل ۲۷/۵ ریال

۳ - بین ۵۰ تا ۶۶ میلیون ریال

خاتمه

تصور می‌رود از شرحی که تا کنون کوشش کرده‌ام عرضه دارم اینمطلب برای شما روشن شده که موضوع مورد نظر در انگلستان اینست که هر کس هر اندازه فقیر هم باشد در صورتیکه عمیقاً موضوعی را بداد گستری عرضه دارد و یا از عملی دفاع کند در هر وضعی که می‌خواهد باشد اگر گفته او کاملاً منطقی بوده و در حال عادی بتواند کارمزد و کیل را بدهد باید باو معاضدت قضائی اهداء شود.

سیستم ما با وجودیکه کامل نیست ضروری هست زیرا اغلب چنین اتفاق می‌افتد که شخص متقاضی معاضدت و بدون در دست داشتن هیچگونه وسیله‌ای توفیق بدست آوردن گواهی معاضدت را مییابد و زمانی هم اتفاق می‌افتد مردی که زوجه او پالتو پوست بر تن دارد با پنهان داشتن وسائل و امکانات پرداخت خود نیز گواهی معاضدت را بدست می‌آورد ولی با همه این تفصیلات من فکر می‌کنم سیستم ما کار خود را بنحو بسیار شایسته‌ای انجام داده.

می‌خواهم دوباره تأیید کنم که توفیق در انجام طرح تا اندازه زیادی مرهون تشریک مساعی حرفه‌ای اعضا کمیته‌ها است که تقاضاها را از جهت معاضدت قضائی مورد مطالعه قرار داده و دعاوی را در محاکم تعقیب و ارشاد می‌کنند هیئت مدیره کانون وکلا (۱) و اعضا آندو هم‌نوائی قابل تحسینی را در راه کمک بتشکیلات طرح از خود نشان داده‌اند و عده زیادی از وکلا برای اینگونه محاکمات قدم پیش نهاده‌اند.

در آغاز طرح معاضدت چنانکه مشهود بود عده‌ای از مردم قدری نگران اینموضوع بودند که ممکنست استقلال وکلا پایمال شود اما چنین اندیشه‌هایی دیربست درپوته فراموشی گذارده شده و در دوازده سالی که از عمل طرح معاضدت گذشته تعداد بیشماری از مستمندان از آن مستفید شده‌اند و اکنون بعنوان یک موضوع ضروری مورد اقبال عامه قرار گرفته و بعقیده من یک خدمت ارجمند و اجتماعی است.

پرونده‌های علمی و مطالعات قضائی
پرتال جامع علوم انسانی